



اثر فصلنامه علمی فنی هنری ۸۰

بهار ۱۳۹۷

شماره استاندارد بین المللی: ۱۶۴۷-۱۰۲۴

شماره استاندارد بین المللی الکترونیکی: ۴۱-۳۵-۲۲

درجه علمی: علمی ترویجی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

مدیر مسئول: جلیل گلشن

سردبیر: مهناز اشرفی

هیئت دبیران (تحریریه): سیدمحسن حبیبی (استاد دانشگاه تهران)، سیدحسین بحرینی (استاد دانشگاه تهران)، فرهاد تهرانی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، محمدرحیم صراف (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، مهرداد قیومی بیدهندی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، حمیده چوبک (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، علی زمانی فرد (استادیار دانشگاه هنر تهران)، مهناز اشرفی (استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی).

مدیر اجرایی: محمدعلی مخلصی

مدیر داخلی و معاون سردبیر: ذات الله نیک‌زاد

ویراستار: عبدالله مؤذن‌زاده کلور

مترجم: شروین معظمی گودرزی، رامین والی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: نوربخش

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی دبیرخانه: تهران، تقاطع خیابان امام خمینی^(ه) و سی تیر،

روبه‌روی موزه ایران باستان، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پلاک ۲،

پژوهشکده ابنیه و بافت‌های تاریخی فرهنگی

کد پستی: ۱۱۳۶۹۱۳۴۳۱

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲ (داخلی ۳۴۴)

وبگاه: Journal.richt.ir/athar

پست الکترونیک: atharmiras@gmail.com

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ: تندیس نقره‌ای

اسامی داوران این شماره:

علیرضا انیسی، محمدحسین پاپلی یزدی، حمیدرضا جیحانی، زهرا حبیبی، ابراهیم حیدری، سعید خودداری نائینی، محمدرضا ریاضی، علیرضا شاه‌محمدپور، رجبعلی لباف‌خانیک، میثم لباف‌خانیک، محمدحسن محبعلی، شروین معظمی گودرزی، ذات‌الله نیک‌زاد.

- نقل مطالب مجله اثر با ذکر مأخذ آزاد است.

- نظر نویسندگان الزاماً نظر مجله نیست.

- این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می‌شود.



-
- ۳ ■ اصول ایکوموس - IFLA ، دربارهٔ منظرهای روستایی به عنوان میراث، ۲۰۱۷ دهلی
ترجمه: مهناز اشرفی، مدیا شکرانی
- ۱۵ ■ نوع و نحوهٔ کاربرد مصالح ساختمانی در ایوان غربی تخت سلیمان
رضا تقوی قره‌بلاغ
- ۲۹ ■ میوه‌نگاری در کاشی‌های کاخ گلستان
سَمینه خوبی، مریم لاری
- ۴۱ ■ بررسی علل رخداد نرخ متفاوت آسیب‌های لرزه‌ای در ابنیهٔ خشتی روستای تاریخی اصفهک پس از زلزلهٔ طیس
وحید ذات‌اکرم، علی زمانی‌فرد
- ۶۱ ■ بنای یادمانی تل آجری در بخش فیروزی شهر پارسه، رویکرد چندرشته‌ای جامع به تختگاه تخت جمشید و شهر
پارسه، بخش یکم
علیرضا عسکری چاوردی، پی‌یر فرانچسکو کالیری، سباستین گنده
- ۸۱ ■ دو سند دربارهٔ معماری حمام‌های روستایی استرآباد
مهرداد قیومی بیدهندی، محدثه نظیف‌کار
- ۸۹ ■ کالبد و کارکرد آسیاب‌های بشرویه
حنیفه کراگری، بهنام پدرام، رضا ابوئی
- ۱۰۱ ■ نگاهی به ویژگی‌های معماری آسیاب‌های شهر بیرجند
ذبیح‌الله مسعودی، علی نجف‌زاده، علی‌اصغر محمودی‌نسب
- ۱۱۹ ■ تازه‌های کتاب و مجلهٔ کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی
معصومه ازقندی، ستاره اسحق تیموری

دو سند درباره معماری حمام‌های روستایی استرآباد

مهرداد قیومی بیدهندي

m-qayyoomi@sbu.ac.ir

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

محدثه نظیف‌کار

nazifkar.m@gmail.com

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی لامعی گرگانی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۴

چکیده

درباره معماری ایران در پیش از دوران جدید منابع نوشتاری بسیار اندک است. مطالبی که درباره معماری در متون ادبی و تاریخی پراکنده است معمولاً درباره معماری فاخر، و آن هم بیش‌تر مربوط به آثار است و از معماری مردم، معماری روستایی، و نیز مسیر ساختن، سازوکار و عاملان معماری کم‌تر سخن رفته است. با این حال، از احوال گوناگون زندگی و روابط جمعی ایرانیان اسنادی به جا مانده است که آکنده از اطلاعات معماری است؛ اسنادی از قبیل وقف‌نامه‌ها و قراردادهای. برخی از این اسناد، به‌ویژه اسناد سلطانی و دیوانی، در آرشیوهای دولتی نگهداری می‌شود؛ اما هزاران سند در دست اشخاص و خانواده‌ها و گاه آرشیوهای خصوصی است. از جمله آن‌ها، مجموعه اسناد خانوادگی خانواده‌های گرگانی (استرآبادی) است. این مقاله با تکیه بر دو سند از مجموعه اسناد خانوادگی استرآباد و به روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است. در این مقاله، به معرفی دو سند می‌پردازیم که هر دو مربوط است به استخدام معمار برای ساختن حمام در دو روستای گناره و قرق از توابع استرآباد در اواخر دوره قاجاریان. از این سندها، نکاتی مهم درباره طرز واگذاری کار به معمار، اجزای حمام‌ها، ویژگی‌های کالبدی این اجزا، و زبان مشترک بانی و معمار به‌دست می‌آید.

واژه‌های کلیدی

معماری روستایی، بانی، معمار، حمام، استرآباد.

مقدمه

این تصور که درباره معماری گذشته ایران متن مکتوب در دست نیست از جهتی درست است. نوشتن درباره معماری تا پیش از روزگار جدید در هیچ جای جهان معمول نبوده است. منابع مکتوب معماری اروپا نیز، مگر یک مورد (ده کتاب معماری مارکوس ویتروویوس پولیو، معمار رومی سده اول میلادی) به پس از رنسانس تعلق دارد (قیومی بیدهندی، ۱۲).

به جز کتاب‌هایی درباره هندسه و طاق، کتابی که در ایران پیش از روزگار جدید درباره معماری نوشته شده باشد، در صورت وجود، به دست ما نرسیده است (ریاضی کشف، ۱۳۷۱: ۱۶۰). اما نباید این حکم را به همه مدارک مکتوب تعمیم داد. آنچه ما را از مدارک بی‌شمار مکتوب درباره معماری ایران محروم می‌کند، فرافکنی تلقی مدرن از معماری و منابع معماری به جهان پیشامدرن است. هنگامی که با چنین حکم نادرستی، خود را از مدارک معماری ایران محروم کردیم، آنگاه عرصه برای نظریه‌پردازی‌های نامستند و سلیقه‌ای باز می‌شود. نبود اسناد، راه را بر هر سخنی می‌گشاید و جو گفت‌وگو درباره معماری به فضایی آکنده از اقوال معلق و بی‌تکیه‌گاه بدل می‌شود (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸: ۱۰).

تقریباً همه زندگی انسان، به‌ویژه انسان شهرنشین در مکان مصنوع می‌گذرد؛ در بناها و محوطه‌های ساخته و شهرها. پس توقع اینکه در بیش‌تر چیزهایی که انسان‌ها می‌نویسند سخنی از معماری یافت شود چشم‌داشتی نابجا نیست. مورخان و وقایع‌نویسان درباره شاهان، برای مباهات و نیکنامی مخدوم‌شان، از آثار معماری ایشان سخن گفته‌اند. هم‌چنین در گزارش زندگانی و احوال ایشان، خواسته و ناخواسته، درباره مکان‌های مصنوع — از شهرها و بناها — سخن گفته‌اند (افشار، ۱۳۵۵: ۲). از این قبیل دانسته‌ها

در سروده‌های شاعران نیز بسیار یافت می‌شود؛ از مدایح و مرثیاتی گرفته تا تغزلات و حماسه‌ها و مواعظ و حکایات. این‌ها دریا‌های پرگوهر و قدرناشناخته معماری ماست. اما از این منابع ارزنده، کم‌تر چیزی درباره معماری مردم عادی به دست می‌آید.

معماری شاهانه و یادمانی بخشی بسیار کوچک از معماری ماست. اگرچه بسیاری از توانایی‌ها و ویژگی‌های کلیت معماری ایران در معماری شاهانه به ظهور رسیده است و به هیچ روی نباید آن را، به منزله شاهدی برای کلیت معماری ایران، دست‌کم گرفت؛ آنچه از این معماری در منابع مکتوب به بیان درآمده است جنبه‌های شاهانه آن است (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۵: ۶۹). درباره ساز و کارهای متعارف معماری، حتی در همین بناهای شاهانه، در منابع رسمی مکتوب کم‌تر سخنی رفته است. معماران خود در زمره اعیان نبودند تا ایشان را شایسته آن بشمارند که درباره اندیشه و کارشان سخنی ثبت و ضبط کنند. وضع جنبه‌های متعارف معماری شاهانه چنین است؛ تا چه رسد به وضع معماری عامه. مردم، آنان که در زمره امیران و اعیان نبودند — از بازرگانان و اهل صنایع گرفته تا پیشه‌وران و عاملان خرد، از غنی گرفته تا درویش — در طی هزاران سال در این سرزمین هزاران‌هزار بنا و آبادی ساختند. اینان نیز در امور گوناگون اجتماعی، کارشان به نوشتن می‌افتاد؛ خاصه در آنجا که شرع آنان را به نوشتن ترغیب کرده بود؛ در وقف و ارث و معامله (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۵: ۷۳). اسناد وقف و ارث و معامله از مدارک پرمایه و مغفول معماری گذشته ایران، به‌ویژه معماری مردم است.

هرچند آن مقدار از این اسناد که به دست ما رسیده در مقایسه با آنچه در اصل بوده اندک‌شمار است، همچنان اسناد بسیاری از این قبیل در مراکز اسناد و موزه‌ها، و به‌ویژه



نقشه ۱. موقعیت دو روستای دولت‌آباد (گناره) و فرق (مأخذ: آرشیو اداره بنیاد مسکن استان گلستان).

در نزد خانواده‌ها باقی است. در هر جا که دست هوشمندی خیرخواه به میان آمده، شماری از این اسناد حفظ شده است. یکی از ایشان، محمود اخوان، موفق شده است هزاران سند خانوادگی استرآباد (گرگان امروزی) را گرد آورد و نگهداری کند. در مجموعه او، چند سند درباره معماری حمام هست. از آن‌ها، دو سند را که حاوی اطلاعات بیش‌تری در باره کیفیت معماری بنای دو حمام است، برای معرفی برگزیده ایم. هر دو سند مربوط است به استخدام معمار برای ساختن حمام در دو روستای قُرُق و دولت‌آباد از توابع استرآباد؛ اولی در تاریخ ۹ رجب ۱۳۳۴ق و دومی در ۱۴ شعبان همان سال (نقشه ۱).

اسناد

۱. سند اول: حمام روستای دولت‌آباد

۱.۱. شناسنامه سند

نوع سند: اجاره‌نامه

سند اساس: اصل سند


۲.۱. متن سند

۱/ هو / اجیر شرعی گردید^۱ جناب استاد حسین بناء طهرانی الاصل به جنابان عمدة الامراء العظام، آقای ساعدالسلطنه و جناب مستطاب، اشرف الحاج و العمار،^۲ حاجی محمدمهدی، خلف مرحوم حاجی آقا محمد کبیر، رحمة اله تعالی، که در دولت‌آباد، که مشهور به گناره باشد،^۳ حمامی درست^۴ نماید در مدت سه ماه بقرار تفصیل ذیل، و تمام مخارج لازمه، بقرار صورت، بر عهده استاد حسین می‌باشد:

| | | | | |
|---------------------------------|---|--------------------------------------|--------------------------|-----------------------------|
| ۵/ صحن حمام | سه طرف صحن حمام | خزانه حمام دو | نمازخانه ^۵ دو | حوض آب سرد در |
| سه ذرع ^۴ در سه | سه طاق نما، هر یک سه | ذرع او انیم در | ذرع در سه | نمازخانه و یا جلوی |
| ذرع. | چارک عرض داشته | سه ذرع باشد. | ذرع باشد. | آن، که دو کر آب داشته باشد. |
| ۶/ نوره‌خانه ^۶ دو جا | حوض آب سرد برای میان | جرم‌انداز خزانه، بیرون | رخت‌کنان حمام سه در | |
| با ادب‌خانه ^۷ | نوره‌خانه و مبال ^۸ ، ۳ کر آب | حمام، به اندازه کفاف | سه ذرع صحن. | |
| درست نماید. | داشته باشد. | خزانه | | |
| ۷/ وسط رخت‌کن حوض | سکوب رخت‌کن چهار سمت | قد پای سکوی رخت‌کن از صحن به | | |
| اقلاً چهارپنج کر آب | صحن یک ذرع پهنا، سه چارک | ارتفاع سه چارک، که تمام آن آجر باشد. | | |
| داشته باشد. | قد. | از سکو به بالا تا سقف مختار است در | | |
| | | چینه و خشت خام دو ذرع. | | |

۸/ بمال الاجاره مبلغ دویست [سیاق: ۲۰۰] تومان وجه رایج. و شرط شد بر اینکه مال الاجاره در سه قسط جنابان مذکور^۹ تقسیم و تحویل استاد حسین نمایند. هرگاه در دو ماه حمام را تمام نمودند، مال الاجاره دریافت نمایند. و شرط^{۱۰} دیگر قرار شد بر اینکه هیمه جهت پختن آجر و جهت پختن آهک^{۱۱} کرده، مال و لنگه و دیگ حمام و در حمام^{۱۱} و بخاری سر حمام و سفال سر حمام تماماً اینها بر عهده جناب ساعدالسلطنه و جناب حاجی محمدمهدی بوده باشد.^{۱۲} اسقاط خیارات از طرفین ساقط،^{۱۳} هرگاه بر سر مصارف حمام به پانصد^{۱۴} تومان، استاد حسین [مباقی متن در حاشیه] حقی نداشته باشد. و کان وقوع ذلک، صیغه شرعی جاری گردید، نهم شهر رجب المرجب هزار و سیصد و سی و چهار هجری نبوی، ۱۳۳۴. [مهر بیضی: یا حسین. استشهادات حاشیه:]




- قد اعترف بما فيه لدى الاحقر في التاريخ [مهر بیضی:] الراجی رسول الحسینی، [مهر بیضی:] جعفر الحسینی
- بسم اله تعالی شأنه / قد وقع ما حرّر في هذا المحرر بحذافيره لدى الاحقر الجانی فی التاريخ ۱۳۳۴، [مهر بیضی] علی ابن محمدی



دروغ و غیره
 دروغ و غیره
 دروغ و غیره

السلطنة
 مساعد
 العظام
 امیر
 صاحب
 کرامت
 دروغ و غیره
 دروغ و غیره
 دروغ و غیره

این سند در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در شهر تبریز در حضور
 محمد قاسم سید طرفی صاحب علم و ادب و سایر اعیان و مشایخ و در حضور
 ۳۳ درستی در شهر تبریز در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 نوزده خواننده در شهر تبریز در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 خواننده در شهر تبریز در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 و لطف حضرت و خاص ائمه کبیر و سایر اعیان و مشایخ و در حضور
 چهارصد و شصت و شش نفر در شهر تبریز در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 بالاجاره بیست و پنج هزار تومان و شرط شش ماهه مال الاجاره در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 بنام و حکم امیر تبریز که در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 دیگر قرار شد بر آنکه همیشه جهت شش ماهه و جهت شش ماهه و جهت شش ماهه
 دستیار بر تمام و تمام بر تمام است این که در شهر تبریز در روز شنبه ماه بهمن سنه ۱۲۳۵ قمری در حضور
 اسقاط قیارات و شرط شش ماهه بر سر تصرف تمام به بیست و پنج هزار تومان

تصویر ۱. سند اجاره معمار برای ساختن حمام روستای دولت آباد گرگان (مجموعه شخصی محمود اخوان).

۲. سند دوم: حمام روستای قُرق

۱.۲. شناسنامه سند

نوع سند: اجاره‌نامه

سند اساس: اصل سند

محل نگهداری اصل سند: مجموعه شخصی محمود اخوان، گرگان

اندازه تقریبی سند: ۱۹ × ۲۲ سانتی‌متر

کاغذ: فرنگی نخودی خطدار بریده

زبان سند: فارسی

نوع خط: شکسته نستعلیق تحریری
موجران: ۱. ساعدالسلطنه؛ ۲. حاجی محمد مهدی بن حاجی محمد کبیر
اجیر: آقا سید محمد جعفر بن آقا طهرانی
موضوع اجاره: ساختن حمام در روستای قُرق (از توابع استرآباد)
مدت اجاره: ۳ ماه
مالالاجاره: ۲۰۰ تومان
تاریخ: ۱۴ شعبان ۱۳۳۴ ق (تصویر ۲)

۲.۲. متن سند

۱/ اجیر شرعی گردید^{۱۱} جناب مستطاب، سلاله السادات العظام، آقای^{۱۲} آقا سید محمد جعفر بن آقا طهرانی، به جنابان عمدة الامراء العظام/ آقای ساعدالسلطنه و جناب مستطاب عمدة التجار و الاشراف، حاجی محمد مهدی، خلف مرحوم حاجی آقا محمد کبیر، رحمة اله تعالی، که در قریه قُرق/ حمامی درست^{۱۳} نماید در مدت سه ماه بقرار تفصیل ذیل؛ و تمام مخارج لازمه، بقرار صورت، بر عهده آقا سید محمد جعفر باشد:

| | | | | |
|-----------------------------|------------------|----------------|---------------------------|-------------------------------|
| ۴/ صحن حمام ۳ | سه طرف صحن | خزانه حمام دو | نمازخانه ^{۱۵} دو | حوض آب سرد در |
| ذرع ^{۱۴} در سه ذرع | حمام، سه طاق، هر | ذرع [و] نیم در | ذرع در سه | نمازخانه یا جلو ^{۱۶} |
| باشد. | یک سه چارک عرض | سه ذرع باشد. | ذرع باشد. | آن دو کر آب |
| | داشته باشد. | | | داشته باشد. |

| | | | |
|----------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|---------------|
| ۵/ نوره‌خانه ^{۱۷} دو جا | حوض آب سرد برای | جرم‌انداز خزانه بیرون حمام، به | رخت‌کنان حمام |
| با ادب‌خانه ^{۱۸} درست | میان نوره‌خانه و | اندازه کفاف خزانه. | سه ذرع در سه |
| نماید. | مبال ^{۱۹} ، سه کر آب. | | ذرع باشد. |

۶/ بمال الاجاره مبلغ دو بیست [سیاق: ۲۰۰] تومان وجه رایج. و شرط شد بر اینکه مال الاجاره را، نصف آن را متدرجاً^۸ تا تمام شدن حمام تسلیم و تحویل آقا سید محمد جعفر نمایند و مابقی را پس از تمام شدن حمام و تحویل دادن،^۹ تسلیم و تحویل ایشان نمایند. و شرط دیگر قرار شد بر اینکه همیشه جهت پختن آجر و جهت پختن آهک^{۲۰} /^{۱۰} کرده، مال و لنگه و دیگ حمام و در حمام و بخاری سر حمام و سفال سر حمام تماماً اینها بر عهده^{۱۱} جناب ساعدالسلطنه و جناب حاجی محمد مهدی بوده باشد. اسقاط اختیارات از طرفین ساقط،^{۱۲} هرگاه بر سر مصارف حمام به پانصد^{۲۱} تومان، آقای مذکور حقی نداشته باشد.

و کان وقوع ذالک /^{۱۳} صیغه صحیحه شرعیه جاری گردید، بتاريخ چهاردهم ۱۴ شهر شعبان المعظم هزار و سیصد و سی و چهار، ۱۳۳۴.

[مهر بیضی: جعفر الحسینی]

[استشهادات حاشیه:]

- قد اعترف بما رقم فيه لدى الاحقر في التاريخ [مهر بیضی: الراجی رسول الحسینی ۱۳۳۴]

- قد وقع جميع ما رقم فيه لدى الاقل في التاريخ [مهر بیضی: محمود ابن محمد]

- هو/ قد وقع جميع ما رقم فيه مع ما فيه بوكالة الشفاهية عن الحاجی و السيد جعفر و فضولياً عن جناب ساعد لشكر لدى

الاحقر في التاريخ المحرر [مهر بیضی: الراجی محمد ولی]

۳. سخنی درباره اسناد

موضوع این اسناد ساختن حمام در دو روستای گناره و قرق است. هردو روستا در یک دهستان، در دشت دامنه شمالی بخش شرقی البرز، در راه استرآباد به گنبد قابوس قرار دارند. موجران هردو قرار داد یکسان اند: ساعدالسلطنه (ساعد لشکر)^{۲۲} و حاجی محمدمهدی بن حاجی محمد، تاجر و از خانواده کبیر^{۲۳}. تاریخ دو سند یک ماه و پنج روز با هم فاصله دارد. متن دو سند، و حتی تصحیف‌های آن‌ها، مشابه است. از خط‌شان پیداست که کاتب آن‌ها یکی است. به ظن قوی، سند دوم را از روی سند نخست نوشته‌اند. معمار حمام گناره استاد حسین بنا و معمار حمام قرق آقا سیدمحمدجعفر بناست. جالب اینکه این هردو تهرانی یا تهرانی‌الاصل اند. مدت و مبلغ قراردادهای یکی است و حتی یکی از مستشهادین دو سند نیز یکسان است: رسول الحسینی.

با عنایت به این‌ها، می‌توان دریافت که حاج محمد مهدی کبیر، یکی از تجار بنام شهر استرآباد، در اواسط سنه ۱۳۳۴ق (ح ۱۲۹۵ش) تصمیم گرفت در دو روستا، که احتمالاً به خاندان ایشان تعلق داشت، حمام بسازد. برای این کار، معمارانی استخدام کرد و قراردادی نوشت و به مهر عالمان محل مهور کرد. در هیچ‌یک از دو سند، مکان زمین حمام معلوم نشده است.

۴. خانه‌ها و اجزای حمام

خانه‌ها و اجزای دو حمام این‌هاست:

- صحن: مقصود مکان اصلی حمام است که به آن گرم‌خانه می‌گوییم.
- طاق نما (در سند اول) / طاق (در سند دوم): غرفه‌های پیرامون گرم‌خانه است.
- خزانه (خزینه)
- نمازخانه
- حوض آب سرد جلو نمازخانه، برای وضو
- نوره‌خانه
- ادب‌خانه / مبال
- حوض آب سرد میان نوره‌خانه و مبال، برای تطهیر
- رختکن / رختکنان: همان است که بدان بینه می‌گوییم.
- سکوب رختکن: سکوه‌های پیرامون گرم‌خانه است.
- جرم‌انداز خزانه

۵. ویژگی خانه‌های حمام

علاوه بر نام این مکان‌ها، اطلاعات دیگری هم از مشخصات معماری این دو حمام در سندها درج شده است:

- بینه (رختکن) 3×3 ذرع^{۲۴} است؛ پس مربع است.
- در وسط بینه حوضی است به حجم دست کم چهارپنج کر^{۲۵}.
- گرم‌خانه (صحن) نیز مربع‌شکل و به اندازه بینه است.
- چهار طرف گرم‌خانه چهار سکوست، به نام سکوی رختکن. بلندی سکوها سه چارک^{۲۶} است، تماماً آجری. دیوار پشت سکوها، که احتمالاً دیوار غرفه (طاق)‌هاست، ممکن است خشتی یا چینه‌ای بوده باشد.

- در سه سوی گرم‌خانه، غرفه‌هایی است که در سند «طاق» و «طاق‌نما» خوانده شده است. احتمالاً این غرفه‌ها در پس سه تا از سکوه‌های گرم‌خانه واقع است. احتمالاً سکوی چهارم، که غرفه ندارد، سکوی سمت ورودی است که راه ورود به گرم‌خانه از میان آن می‌گذرد.

- نمازخانه کوچک، 2×3 ذرع، به اندازه‌ای است که سه نفر بتوانند هم‌زمان در آن نماز بگذارند.

- در درون نمازخانه یا جلو آن (این به اختیار معمار واگذار شده است) حوضی برای وضوست، به حجم ۲ کر.

- خزانه $2/5 \times 3$ ذرع است؛ اندکی کوچک‌تر از گرم‌خانه.

- از نوره‌خانه با ادب‌خانه (مستراح) نام برده شده است؛ از آن رو که باید آن‌ها را نزدیک هم می‌ساختند و حوضی مشترک در میان آن‌ها قرار می‌دادند، به حجم ۳ کر، برای شست‌وشو. نوره‌خانه و مستراح دو باب است.

- در بیرون حمام، جایی است برای تخلیه جرم خزانه [که جرم‌انداز خوانده شده است].

۶. ویژگی ترکیب کلی حمام

از این دو سند، چیزهایی هم در خصوص ترکیب کلی دو حمام یاد شده به دست می‌آید: حمام‌ها بسیار کوچک اند؛ چندان که مساحت خانه اصلی آن‌ها (گرم‌خانه) در حدود ۹ متر مربع است. اینها حمام‌هایی هستند متناسب با نیاز روستا؛ چندان خرد که بتوان به راحتی گرم‌شان کرد. از این حمام‌ها چنین تصویری به دست می‌آید: هر حمام سه مکان اصلی چهارگوش دارد: بینه (رختکن / رختکنان)، گرم‌خانه (صحن)، و خزینه (خزانه). قاعدتاً بینه در نزدیکی مدخل حمام است؛ خزینه در انتهای حمام و در دورترین جا از مدخل حمام؛ و گرم‌خانه در میان این دو. نمازخانه در کنار گرم‌خانه است، با حوضی برای وضو. در جایی در کنار گرم‌خانه، احتمالاً در میان بینه و گرم‌خانه (در جایی که به آن «میاندر» می‌گوییم)، دو نوره‌خانه و دو مستراح (مبال / ادب‌خانه) هست، با حوضی برای شست‌وشو در میان نوره‌خانه و مستراح. جرم‌انداز در محوطه‌ای در بیرون حمام است؛ احتمالاً در پشت خزانه.

۷. ناگفته‌های حمام

در بسیاری از موارد، آنچه در خصوص ناگفته‌های اسناد به چنگ تاریخ پژوه معماری می‌افتد بیش از گفته‌های آن‌هاست. ناگفته‌های اسناد فقط شامل چیزهایی نیست که در موضوع سند وجود نداشته است؛ بلکه بیش‌تر شامل چیزهایی است که وجود داشته است، اما نویسندگان و خوانندگان اسناد آن‌ها را بدیهی و بی‌نیاز از بیان می‌شمرده‌اند (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸: ۱۵). ناگفته‌های حمام در این دو سند سخت شایسته تأمل و نیازمند گفتاری جداگانه است. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در این سندها، در این باره چیزی نگفته‌اند که هر یک از مکان‌هایی که نام برده‌اند چگونه جایی است. پیداست که صرف ذکر نام جایی چون صحن و سکوب کفایت می‌کرده است تا صاحب

کار و معمار و شهود بدانند مقصود چگونه جایی است. از ناگفته‌های این اسناد درباره جایی چون صحن حمام پیداست که همه کسان دخیل در این پیمان‌ها خوب می‌دانستند که مثلاً صحن فضایی میانی است که حوضی در وسط آن است و سکوها و غرفه‌هایی در پیرامونش. حتی آنان می‌دانستند که اگر طول صحن ۳ ذرع باشد، ارتفاعش چقدر می‌شود. از همین روست که ارتفاع هیچ‌یک از خانه‌های حمام در سند ذکر نشده است. همه می‌دانستند که گرمابه گلخنی دارد و گلخن باید طوری باشد که هم آب خزینه و هم کف حمام را گرم کند. پس ذکر این‌ها را زاید می‌شمردند. هم مردم و هم معماران می‌دانستند که مستراح باید در کجا باشد و چه نسبتی با دیگر خانه‌های حمام داشته باشد. معماری حمام واژه‌هایی کالبدی داشت، که همان خانه‌ها یا مکان‌های گوناگون حمام است. این واژه‌های کالبدی نظایری در واژه‌های کلامی داشت و هر واژه کلامی دست کم بر یک واژه کالبدی دلالت می‌کرد. این چنین بود که وقتی کسی واژه صحن حمام را به کار می‌برد، هم او و هم معمار او می‌دانستند که مدلول کالبدی و عینی‌اش چیست. واژه‌های زبان معماری موجوداتی معلق نبودند و همچون واژه‌های زبان کلام، با هم پیوند داشتند. مردمی که به زبانی سخن می‌گویند، طرز هم‌نشینی واژه‌ها، یعنی نحو زبان را هم می‌دانند. زمانی که زبان معماری زنده بود، آن نیز نحوی داشت. بخشی از نحو زبان معماری را، که به حقوق فردی و اجتماعی مربوط می‌شد، فقه معین می‌کرد. بخشی دیگر از آن از احوال مردم و صفات قومی‌شان و از ویژگی‌های جغرافیایی و تجربه‌های جمعی برمی‌آمد و بر اثر تجربه در واژه‌ها و نحو زبان فشرده و متبلور می‌شد. این زبان مشترک، این هم‌زبانی، مردم و معماران را به هم نزدیک می‌کرد. حتی معماران تهرانی می‌توانستند با اندکی معاشرت با مردم روستاهای استرآباد، زبان معماری آنان را دریابند و برایشان به‌خوبی معماری کنند.

در این سندها، درباره نوآوری‌های معماران هم سخنی نرفته است. کار معماران این نبود که طرحی نو دراندازند. نیت‌شان این نبود که با نوآوری‌شان در طرح حمام، آوازه‌شان در استرآباد و تهران و ایران و جهان بیچد. قصد آنان خدمت بود؛ قصدشان برافراشتن بنای حمام‌هایی بود که وظایف حمام روستاهای گنار و قرق را به بهترین نحو انجام دهد و نیازهای جسمی و روانی و روحی مردم را برآورد. آنان می‌دانستند که مردم استرآباد و روستاهایش قرن‌ها برای این زندگی خوب و حمام نیکو تجربه اندوخته اند. این تجربه‌های صد‌هاساله در درون واژه‌ها و دستور زبان معماری حمام در استرآباد نهفته بود. آنان بر همان تجربه اتکا می‌کردند و همان زبان را به کار می‌گرفتند، تا حمامی نیکو برآورند.

مؤخره

در این مقاله، دو سند قاجاری مربوط به قرارداد اجاره (اجیر کردن) معمار به منظور ساختن حمام در روستاهای استرآباد را معرفی کردیم. سپس اجزا و واحدهای فضایی (خانه‌های) دو حمام و برخی از ویژگی‌های کالبدی و طرز ترکیب آن‌ها را از اسناد به دست آوردیم. همچنین نشان دادیم که چگونه می‌توان [از] ناگفته‌های

این سندها به برخی از سازوکارهای معماری پی برد. پیداست که با ادامه دادن چنین تحقیق‌هایی در گرگان و دیگر نقاط ایران، می‌توان جنبه‌هایی از معماری ایران را روشن کرد که تا کنون کم‌تر محل توجه بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در اصل، در همه جا، «گ» (گاف فارسی، کاف غیرصریحه) به صورت «ک» نوشته شده است.
۲. اصل: کناره
۳. اصل: دورست
۴. اصل، در همه جا: زرع
۵. اصل، در همه جا: نمازخانه
۶. اصل، در همه جا: نوره‌خانه
۷. مستراح، مبال
۸. اصل: موال
۹. اصل: اهاک
۱۰. اصل: پونصد
۱۱. اصل، در همه جا، «گ» (گاف فارسی، کاف غیرصریحه) به صورت «ک» نوشته شده است.
۱۲. اصل: اقاتی
۱۳. اصل، در همه جا: دورست
۱۴. اصل، در همه جا: زرع
۱۵. اصل، در همه جا: نمازخانه
۱۶. اصل: چلو
۱۷. اصل، در همه جا: نوره‌خانه
۱۸. اصل، در همه جا: ادبخوانه
۱۹. اصل: موال
۲۰. اصل: اهاک
۲۱. اصل: پونصد
۲۲. ساعدالسلطنه (محمد مهدی خان ساعد لشکر)، والی استرآباد در اواخر دوره قاجاریان.
۲۳. خانواده کبیر امروزه از خانواده‌های سرشناس استرآباد (گرگان) است.
۲۴. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «ذرع».
۲۵. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «کر».
۲۶. چارک یعنی یک‌چهارم ذرع، که تقریباً برابر است با ۲۶ سانتی‌متر.

منابع

- افشار، ایرج. (۱۳۵۵). «مقدماتی درباره معماری ایران بر اساس متون فارسی». در هنر و مردم، ش ۱۷۳، ص ۲-۵.
- ریاضی کشف، محمد رضا. (۱۳۷۱). «کتاب‌شناسی معماری و شهرسازی ایران». در اثر، ش ۲۱، ص ۱۶۰-۱۸۱.
- قیومی بیدهدی، مهرداد. (بهار ۱۳۸۸). «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جست‌وجو در آن‌ها». در گلستان هنر، ش ۱۵، ص ۲۰-۵.
- قیومی بیدهدی، مهرداد. (۱۳۹۵). «یادداشتی درباره تاریخ مردم در معماری ایران». در مردم‌نامه، ش ۱، ص ۶۵-۷۸.
- نظیف‌کار، محدثه. (۱۳۸۸). اطلاعات معماری اسناد خانوادگی کبیر: پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. استاد راهنما: مهرداد قیومی بیدهدی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.

Two Documents Related to the Architecture of Estarabad Village Baths

Mehrdad Qayyoomi Bidhendi

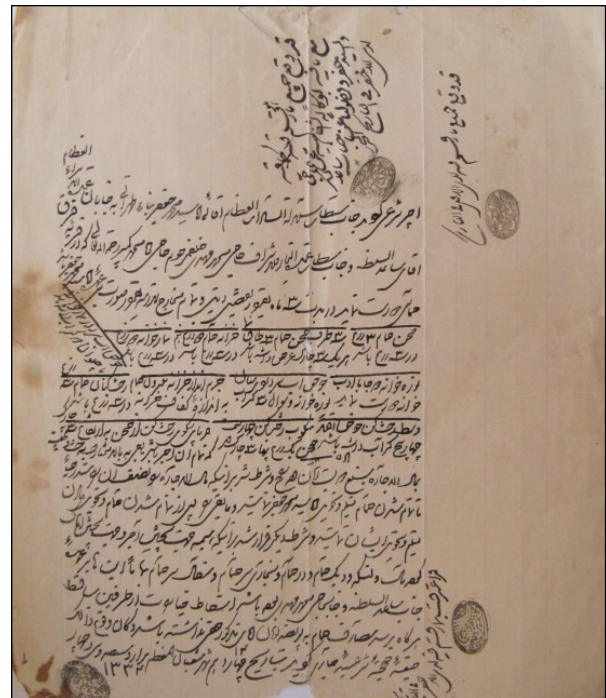
Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Mohadesseh Nazifkar

Academic Faculty Member, Lamei Gorgani Institute of Higher Education

Abstract

Written sources on Iranian pre-modern architecture in Islamic middle ages are very scarce. The material that is scattered in literary and historic texts is normally limited to monumental architecture, and mostly related to the architectural works and not to the process and the agents. Moreover, there is not much material on people's and vernacular architecture. However, there are surviving documents related to the Iranian's general life and social interactions which are full of architectural information. Over millennia, ordinary people have built thousands of buildings and villages. They also had to make written records for various social matters; especially when religion encouraged them to keep written records: in *waqf* (Islamic endowment), inheritance and trades. Waqf, inheritance and trade documents are often ignored but information-rich Iranian architecture, especially the people's architecture. Some of these documents, especially the royal and court documents are kept in governmental archives; but thousands of documents are in the possession of individuals, families and sometimes private archives. One example of these is the family documents collection of the Gorgani (Estarabadi) families. This article is written based on two documents from the Estarabad family collection using the descriptive-analytical method. In this article we introduce two documents, going back to the end of the Qajar era, both of which are related to the construction of baths in two villages of Ganareh and Qoroq, located in Estarabad. Haj Mohammad Mehdi Kabir, one of the important merchants of the city of Estarabad, decided to build baths in two villages which probably belonged to him family in 1916. He employed builders and architects and made a contract with them. The dates of the two documents are one month and five days apart. The document texts and even their paper type are similar. From the handwritings it can be surmised that the scribe is the same for both document. The architect for the Ganareh bath is Ostad Hossein Banna and the architect for the Qoroq is Aqa Seyyed Mohammad Jafar Banna. It is remarkable that both of these architects are from Tehran. The length and remuneration terms for both the contracts are the same. Various parts and space units (compartments) of the bath as well as some of their physical features are mentioned in these documents. Some information can be also inferred with regards to the general composition of the bath spaces. The description of these spaces are nearly similar and have



Architect engagement document for constructing a bath for Qoroq village in Gorgān

the same dimensions. Like most other historical texts, these documents give more information between their lines. For example, the documents do not give a description of each of the places they name. It is apparent that merely using the name of spaces such as central courtyard or platform was enough to let the patron, the architect and the witnesses know what the description is and how it should look physically. Or for example, there are no mentions of innovations by the architects. It was not the job of the architects to innovate and to use these innovations in constructing baths for fame in Estarabad, Tehran, Iran or the world. Their intention was to serve; their intention was to erect bath houses which were functional for the Qoroq and Ganareh villages to the best of their ability and meet the physical and emotional needs of the people.

Keywords: Village architecture, patron, architect, bath, Estarabad

ATHAR

SCIENTIFIC, TECHNICAL and ART QUARTERLY

SCIENTIFIC, TECHNICAL & QUARTERLY

No. 80,

Spring 2019

Abstracts

- **ICOMOS-IfLA PRINCIPLES, CONCERNING RURAL LANDSCAPE AS** 3
Translated by: Mahnaz Ashrafi, Media Shokrani
- **The Types and Usage of Building materials in the West Iwan of Takht-e Soleymān** 4
Reza Taghavi Gharehbolagh
- **Depictions of Fruit in the Tiles of Golestān Palace** 5
Samineh Khobi, Maryam Lari
- **Examination of reasons of variance in earthquake damage rates in earthen buildings of the historic village of Esfahak post Tabas earthquake** 6
Vahid Zat Akram, Ali Zamani Fard
- **Tol-e Ājori, a new monumental building in Pārsa, a multidiscipline approach to Persepolis and Pārsa, Part 1** 7
Alireza Askari Chaverdi, Pierfrancesco Callieri, Sébastien Gondet
- **Two Documents Related to the Architecture of Estarabad Village Baths** 8
Mehrdad Qayyoomi Bidhendi, Mohadesseh Nazifkar
- **Physical and Functional Aspects of Bosh rūyeh Mills** 9
Hanife Karagari, Behnam Pedram, Reza Abouei
- **A Glance on Architectural Particularities of Watermills in Town of Birjan** 10
Zabihollah Mas'oudi, Ali Najafzadeh, Ali-Asghar Mahmoudi-Nassab



In the Name of God

ATHAR

SCIENTIFIC, & TECHNICAL and ART QUARTERLY

No. **80**,
Spring 2018

ISSN: 1024-2647

EISSN: 22-35-41

Owned by: The Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT)

Managing Editor: Jalil Golshan

Editor-in-Chief: Mahnaz Ashrafi

Editorial Board:

Seyed Mohsen Habibi (Ph.D), Farhad Tehrani (Ph.D), Seyed Hosein Bahreini (Ph.D), Mohammad Rahim Sarraf (Ph.D), Mehrdad Ghayomi Bidhendi (Ph.D), Hamideh Choobak (Ph.D), Mahnaz Ashrafi (Ph.D), Ali Zamani Fard (Ph.D)

Executive Director: Mohammad Ali Mokhlesi

Deputy Editor-in-Chief: Zatollah Nikzad

Editor: Abdollah Moazenzadeh Kolour

Translation into English: Shervin Moazami Goudarzi, Ramin Vali

Type and Layout: Nourbakhsh

Circulation: 1000 Editions

Secretariat: No. 2, Prof. Rolin St., 30tir st. Imam Khomeini St.

P.O. Box: 1136913431

Website: Journal.richt.ir/athar

E-mail: atharmiras@gmail.com

Price: 120000 Rials

Reviewer of the Articles:

This Issue:

Alireza Anisi, Mohammad Hosein Papoli Yazdi, Hamid Reza Jeyhani, Zahra Habibi, Ebrahim Heydari, Saeid Khoddari Naeini, Mohammad Reza Riazi, Ali Reza Shah Mohammadpour, Rajabali Labaf Khaniki, Meysam Labaf Khaniki, Mohammad Hasan Mohebal, Shervin Moazami Godarzi, Zatolaah Nikzad

- Quotations from the contents of *Athar* are allowed under the condition that faithful reference to the article and the journal accompanies each.

- Contents of the articles shall not, necessarily, be regarded the *Athar* board's ideas.